



Critique of Orientalist Analysis, about Twelver Shi'a Beliefs*

Ali Karimpour Gharamaleki ¹

Mohammad Yasin Basirat ²

Abstract

According to the Orientalists' view of twelver Shi'a religion, they do not consider Shi'ism to be a comprehensive school that emerged from the beginning of the Prophet's mission, but they believe that the Shi'a is a political religion, that was appeared after the Prophet's demise (pbuh), and in a gradual process has been formed and evolved. While the findings of this article indicate that this belief is contrary to the twelver Shi'a belief and even some quotations from Sunni sources. Providing a false statement of how the Shiites came into being historically and comparing the Shiite beliefs with the Christian beliefs about Jesus, as well as an incorrect analysis of the Shiite beliefs about the existence of Hazrat Mahdi (pbuh) along with the Shiites' beliefs about intercession, are among the mistakes made by the "Leiden's Encyclopedia" authors, included in the "Shiite" entry as well as the "Twelfth" entry. In this article, we tried to prove the correctness of Shiite beliefs with a critical view of the mentioned cases.

Keywords: Shia, Twelfth, Orientalists, Leiden Encyclopedia of Islam.

*. **Date of receiving:** 27 December 2019, **Date of approval:** 3 May 2020.

1. Assistant Professor of the Al-Mustafa international university karimpoorali@yahoo.com .

2. PhD student in Quran and social sciences, Al-Mustafa international university: m.iasinbasirat@gmail.com.



نقد تحلیل مستشرقان از عقاید شیعه اثنی عشریه*

علی کریم پور قراملکی^۱ و محمد یاسین بصیرت^۲

چکیده

نگاهی که مستشرقان در پیدا شدن مذهب شیعه اثناعشری دارند، تشیع را یک مکتب همه جانبه به صورت امروزه از آغاز رسالت پیامبر ﷺ نمی دانند، بلکه معتقدند: شیعه اثناعشری، مذهب سیاسی است که به تدریج در یک فرایند زمانی بعد از فوت پیامبر اکرم ﷺ، شکل گرفته و تکامل یافته است. درحالی که یافته پژوهش در این نوشتار، بیانگر آن است که این اعتقاد، خلاف عقیده شیعه اثناعشری و حتی برخی نقل های منابع سنی است. تبیین نادرست پدید آمدن شیعه از لحاظ تاریخی و تشبیه عقیده شیعه به عقیده مسیحیت درباره حضرت عیسی و نیز تحلیل ناصحیح عقیده شیعه درباره وجود حضرت مهدی ﷺ به همراه عقیده شیعه درباره شفاعت، از جمله نکاتی است که مؤلفان «دائرة المعارف الاسلامیه لیدن» در مدخل مربوط به «شیعه» و نیز مدخل «اثناعشری» گرفتار آن شده اند که در این مقاله، سعی گردید، موارد مذکور با دیده انتقادی، درستی عقاید شیعه به اثبات برسد.

واژگان کلیدی: شیعه، اثناعشری، مستشرقان، دائرة المعارف الاسلامیه لیدن.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۳ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية (نویسنده مسئول): karimpoorali@yahoo.com.

۲. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم اجتماعی جامعه المصطفی العالمية از کشور افغانستان: m.iasinbasirat@gmail.com.



مقدمه

در دوره معاصر به خاطر پدید آمدن استعمار و گسترش فعالیت تبشیری مبلغان مسیحی، مطالعات مستشرقان درباره شیعه، رو به افزایش بوده است. یکی از منابعی که مستشرقان در این زمینه، پدید آوردند «دائرةالمعارف الاسلامیه» لیدن است. پرسش اصلی این است که دیدگاه مستشرقان، در این دائرةالمعارف درباره شیعه اثناعشری چیست؟ در این پژوهش، تلاش بر این است تا دیدگاه برخی از مستشرقان درباره نگاه برون دینی آنان به شیعه اثناعشری، طرح و با یک نگاه درون دینی با تکیه بر اسناد تاریخی و قرآنی مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت پرداختن به چنین مباحثی به این دلیل است که خاورشناسان، چه در دوره هجوم استعماری و چه در دوران معاصر که نگاهی به اصطلاح علمی به اسلام و به خصوص به تشیع دارند، گفتارشان بار معنایی خاصی دارد. مؤید این مطلب را می توان به وضوح در مقاله آقای «هیوار» (CI. Huart) و مقاله آقای «استروتمن» (R. Strothmann) مشاهده کرد (ر.ک: گروهی از مستشرقان، دائرةالمعارف الاسلامیه، بی تا: ۱ و ۱۴، ذیل کلمه اثناعشریه و شیعه). در این پژوهش، سعی بر این است که چگونگی به تصویر کشیده شدن شیعه اثناعشری در دائرةالمعارف اسلام لیدن، در قالب تعریف شیعه، شیعه در عصر اول اسلامی، شیعه بعد از عصر اول اسلامی، عقاید شیعه در امامت، شفاعت، رجعت و مهدویت، مورد نقد و تحلیل قرار بگیرد.

۱. گزارش کلی از دائرةالمعارف اسلام لیدن

دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن (The Encyclopaedie Of Islam (Leiden)، اولین اقدام جدی در دائرةالمعارف نگاری اسلام در سطح جهانی است و به دلیل پشتیبانی آن از تمامی تجارب پیشین به ویژه دستاوردهای علمی خاورشناسی و اسلام شناسی غرب، با استقبال جهانی مواجه شد و در کشورهای مختلف، در بین پژوهشگران و اندیشمندان جا باز کرد. این دائرةالمعارف، از پژوهش هایی است که مستشرقان درباره جهان اسلام و معارف اسلامی انجام داده اند. مستشرقان با انبوهی از پژوهش های اسلامی مواجه بودند که از اواخر سده نوزده و اوایل سده بیستم میلادی کار شده بود. بسیاری از منابع اسلامی تحلیل تصحیح یا ترجمه شده و به چاپ رسیده بود و نیاز به گامی فراتر برای نظام مند کردن این اطلاعات انبوه احساس می شد؛ از این رو، مستشرقان تصمیم گرفتند که دائرةالمعارفی درباره اسلام تدوین نمایند. جهت های دیگر تأثیرگذار در پایه گذاری این دائرةالمعارف، برنامه های استعماری بود. اروپا در راستای سیاست های استعماری در نیمه دوم سده نوزدهم، به ویژه کشورهای انگلستان، هلند و



فرانسه که دارای مستعمرات بیشتری در جهان اسلام بودند، در صدد به دست آوردن اطلاعات کامل و صحیح تری از کشورهای اسلامی بودند تا بتواند اهداف استعماری خود را بهتر و بیشتر بسط داده و مأموران خود را با تجهیز به آگاهی بیشتر روانه جهان اسلام سازند. به همین منظور بود که به تدوین «دائرةالمعارف اسلام» اقدام کرد. شاهد این مطلب، مدخل‌هایی که برای مسلمانان مناسب و مفید بود، در نظر گرفته نشد؛ بلکه مدخل‌هایی که برای غربی‌ها دارای اهمیت خاص بود، گزینش شد. تاریخچه تدوین دائرةالمعارف اسلام لیدن، در مقاله «دائرةالمعارف اسلام» چنین گزارش شده است: «در کنگره بین‌المللی شرق‌شناسی (سال ۱۸۹۲ م) اسمیت، ضرورت تدوین چنین کتابی را مطرح کرد. درباره انگیزه‌ها و خاستگاه‌های خاورشناسان برای اقدام به چنین طرح بزرگی داورهای مختلفی ابراز شده است. به هر روی، قطعاً جذابیت ابعاد انسانی اسلام، تمدن بزرگ مسلمانان در قرون میانه و جغرافیای وسیع اسلامی برای آنان اهمیت فوق‌العاده داشته و این نکات را می‌توان ریشه و اساس علاقه‌مندی آنان به این پروژه دانست. پیش‌ازین پژوهش‌های مختلفی درباره مسائل اسلام انجام داده بودند تا این‌که در ابتدای سده بیستم به این نتیجه رسیدند که بررسی‌های خود را در قالب کتاب جامعی به صورت قاموسی و ساختار دایرةالمعارفی گردآوری و تدوین کنند. تا پژوهش‌های بعدی، آسان‌تر و زودتر به سامان رسد. از این رو، به نگارش چنین دائرةالمعارفی روی آوردند.» (ر.ک: نوری، دایرةالمعارف «اسلام» و «مردم مسلمان»، ۱۳۸۴: ۱۹ - ۲۶).

درباره محتوای دائرةالمعارف اسلام لیدن، در دائرةالمعارف تشیع چنین بیان شده است: «مهمترین و مفصل‌ترین دایرةالمعارفی است که تاکنون درباره اسلام و تمدن و فرهنگ اسلامی تألیف شده است.» (صدر حاج سید جوادی و همکاران، دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۸۰: ۱۶/۱). دایرةالمعارف تشیع، در مورد نقص دایرةالمعارف اسلام می‌نویسد: «دایرةالمعارف اسلام، بی‌گمان اثری محققانه و ارزشمند و روشمند است، ولی حسن آن نباید ما را گمراه کند و عیوب آن - که اندک هم نیست - بر ما پوشیده بماند. عیب و نقص این دایرةالمعارف، به‌ویژه آنجا که به دین اسلام و اصول اعتقادی آن ارتباط می‌یابد، آشکارتر است...؛ نقص عمده‌ای این دایرةالمعارف، نادیده گرفتن مذهب تشیع در آن است. به‌عنوان مثال، درباره امام صادق (علیه السلام) که تمام فرقه‌های اسلامی متفقاً به بزرگی مقام علمی ایشان معترف‌اند، در طبع اول تنها ۱۸ سطر (در ترجمه عربی ۷ سطر) که آن‌هم خالی از اشتباه و غرض نیست، آمده است و یا مقاله ابوذر غفاری فقط ۴ سطر است که حتی به شیعه بودن وی نیز اشاره نشده است.» (همان). به نظر می‌رسد که دایرةالمعارف تشیع، به مقالات مربوط به شیعه و اثناعشری، در دایرةالمعارف اسلامی لیدن، توجه نکرده است. در مجموع در چند مورد به نقص آن در ارتباط با مذهب تشیع اشاره نموده است. در حالی که در حدود بیش از یک قرن است که پژوهشگران غیرمسلمان و یا مسلمان غیرشیعی اثناعشری با مراجعه به این دائرةالمعارف، به شیعیان اثناعشری با این تصویر نگاه می‌کنند.



۲. تعریف شیعه

شیعه در دائرةالمعارف اسلام لیدن، چنین تعریف شده است: شیعه اسم برای مجموعه بزرگ از فرقه‌های اسلامی است که باوجود اختلاف در میانشان، در این اتفاق نظر دارند که امام علی (علیه السلام) خلیفه شرعی بعد از وفات نبی (صلی الله علیه و اله) است (گروهی از مستشرقان، دائرةالمعارف الاسلامیه، بی تا: ۱۴/۵۷).

در جلد اول دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، در ذیل کلمه «اثنا عشریه» شیعه اثنا عشری را چنین تعریف می‌کند: «اثنا عشری» در مقابل «سبعیه» است، این فرقه از شیعیان معتقد به امامت دوازده امام هستند. این اسم از قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) نام‌گذاری شده است. این فرقه در عقیده خود ثابت نمانده و تقسیم به یازده فرقه شده‌اند که اسم خاص ندارند، تمیز دادن یکی از آن‌ها از دیگری به توقف در امامت امام حسن عسکری علیه السلام است (همان: ۱/۴۲۹-۴۳۰).

نقد و بررسی

آنچه در بررسی ما مورد نظر است، شیعه اثنا عشری است؛ اگرچه در ذیل «شیعه» و «اثنا عشری» در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، به فرقه‌های دیگر شیعه مانند غلات، واقفیه و زیدیه و قطعیه و... نیز پرداخته شده است. بنابراین، عبارت «شیعه» در ادامه مباحث، مراد شیعه اثنا عشری است. در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، شیعه به طور مطلق، درست به کسانی تعریف شده که معتقد به خلافت شرعی امام علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد؛ اما درباره «شیعه اثنا عشری»، آن را با قرار گرفتن در مقابل «سبعیه» تعریف کرده است. چنانکه، نام‌گذاری این اسم را از قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) دانسته است. این تعریف و این نام‌گذاری درست نیست؛ زیرا با مراجعه به منابع اصلی (شیعه و سنی) شیعه اثنا عشری، در اصطلاح کسانی هستند که به امامت امام علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت اعتقاد دارند، مطابق نص از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بعد از آن حضرت، دوازده جانشین و وصی خواهند بود (شهرستانی، الملل و النحل، ۱۳۸۷: ۱۹۱؛ قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ۱۳۸۵: ۴۴۶؛ سبحانی، دلیل المرشدین الی الحق الیقین، ۱۳۸۹: ۲۳؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ۱۴۱۹: ۴۵-۱۰۱-۱۰۲).

در تأیید این بحث، تحلیل مرحوم کاشف الغطاء از شیعه است: «اولین کسی که تخم تشیع را در زمین با برکت اسلام کاشت، شخص آورنده اسلام بود» (کاشف الغطاء، ریشه‌های شیعه و پایه‌های آن، ۱۳۱۷: ۴۷-۴۴). از این تحلیل استفاده می‌شود که ریشه‌های شیعه را، بایستی در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله جستجو کرد. معرفی شیعه اثنا عشری به فرقه‌های که با توقف در امامت امام حسن عسکری علیه السلام و فوت آن حضرت و اعتقاد به امامت بعد از او یازده فرقه را نام بردن که اصل وجود آن‌ها در تاریخ محل تردید است و یا اگر وجود داشته، فعلاً از بین رفته‌اند، از مواردی است که نقد جدی را متوجه تصویر شیعه در دائرةالمعارف اسلام لیدن می‌کند.



۳. فلسفه ظهور شیعه و زمان پیدایش آن

نویسنده مقاله «شیعه» در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، در توضیح فلسفه ظهور شیعه در دین اسلام، می‌نویسد: «اسلام دینی است که در آن دین و سیاست باهم ظهور دارند و مؤسس آن نبی و هم مرد دولت بوده است. به وجود آمدن مذاهب مختلف در اسلام، نتیجه احتمالات بوده که در دستور سیاسی و عقیده دینی وجود داشته است... در مذهب شیعه، امامت دینی قرار داده شده است و از عقاید خاص این مذهب، مضمون این حدیث «من مات جاهلاً بالامام الحق فی عصره مات کافراً» است (گروهی از مستشرقان، دائرةالمعارف الاسلامیه، بی تا: ۱۴/۵۷-۵۸).

نویسنده مقاله، به وجود آمدن مذهب شیعه را سیاسی و اولین وقت پدید آمدن آن را از زمان وفات نبی اکرم ﷺ دانسته است که سه نفر بیشتر نبودند: سلمان فارسی، ابوذر غفاری و مقداد بن اسود کندی. نویسنده در ادامه می‌نویسد: در بعضی از روایات، اسم‌های دیگر ذکر شده که کم هستند. این افراد ادعا کردند که امام علی (علیه السلام)، خلیفه بعد از وفات نبی ﷺ است. عقیده آن‌ها بر این بود که شیعه از دین مرتد نشده است و سایر صحابه را که بیعت با ابوبکر کرده بودند، مرتد به حساب آوردند (همان: ۱۴/۵۸).

نقد و بررسی

اگر نویسندگان دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، به منابع اصیل اسلامی مراجعه می‌کردند و از اسلام ناب محمدی ﷺ در قالب شیعه اثناعشری، اطلاعات کافی می‌داشتند، هرگز چنین تحلیلی از آن نمی‌کردند. در منابع اصلی اسلامی آمده است: شیعه در زمان رسول خدا ﷺ پایه‌گذاری شد. برای نمونه، علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «آغاز پیدایش شیعه را که برای اولین بار به شیعه علی (علیه السلام) معروف شدند، همان زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ باید دانست و جریان ظهور و پیشرفت دعوت اسلامی در بیست و سه سال زمان بعثت، موجبات زیادی در برداشت که طبعاً پیدایش چنین جمعیتی را در میان یاران پیغمبر اکرم ﷺ ایجاب می‌کرد» (طباطبایی، شیعه در اسلام، ۱۳۸۶: ۲۹).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه اکمال: «الْيَوْمَ يَأْتِيَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده/۳)؛ بیان می‌کند که اکمال دین اسلام، در زمانی می‌تواند علت برای یأس کفار از نابودی دین اسلام باشد که قیام دین اسلام با شخص پیامبر ﷺ، به قیام نوعی توسط ائمه معصومین (علیهم السلام) تغییر پیدا کند و این تغییر، همان اکمالی است که در آیه شریفه از آن نام برده شده است. سپس بیان می‌کند که منظور از «الیوم»، دوران فتح مکه یا بعد از نزول سوره براءت، مطابق دلایل نمی‌تواند باشد، بلکه اگر مراد از آن، روز عرفه باشد. مقصود از آن هم، یا آموزش حج با حضور پیامبر است و یا نزول بقایای احکام حلال و حرام است و یا خلوص بیت الله الحرام برای زیارت مسلمانان و یا بیان تفصیلی محرّمات اطعمه است. درحالی‌که



هیچ یک از احتمالات فوق، بر اساس ادله متقن قابل پذیرش نیست. پس تنها نکته مهمی که می تواند منظور از اکمال را برای ما مبین بکند، مسئله تبدیل جنبه حدوئی اسلام به جنبه بقائی آن، با نصب ولایت از سوی خداوند، توسط پیامبر ﷺ است. بدیهی است، این نصب امامت و ولایت در زمان پس از حیات پیامبر ﷺ صورت نگرفت، بلکه در زمان حیات آن حضرت انجام گرفت که در همین واقعه مهم هم، خلیفه اول و دوم برای تبریک گفتن خدمت حضرت علی ﷺ زبان گشودند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۷: ۱۶۹/۵-۱۷۴).

افزون بر این، از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است، شأن نزول آیه، واقعه غدیر خم در حجة الوداع است. در این واقعه پیامبر اکرم ﷺ در جمع زیاد از مسلمانان، علی ﷺ را به عنوان امام مسلمانان پس از خود معرفی کرد. روایت از ابی سعید خدری نقل شده است: «هنگامی که آیه فوق نازل شد، پیامبر ﷺ فرمود: الله اکبر بر کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و راضی شدن پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب بعد از من. سپس فرمودند: هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست. خداوندا دوست بدار، کسانی را که علی دوستدار آنهاست و دشمن بدار کسانی را که علی با آنها دشمن است؛ و یاری کن، یاری کنندگان علی را و خوار و ذلیل کن، خوارکنندگان او را» (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

همه مفسران اسلامی ذکر کرده اند که این آیه، برای معرفی امامت امام علی ﷺ بوده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۲۴۵-۲۴۷/۳). آیه با این شأن نزول و محتوا، بیان کننده این مطلب است که ناامیدی کفار، کمال دین اسلام، تمام شدن نعمت و رضایت الهی با امامت است. مطابق حدیث ثقلین از پیامبر اکرم ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابُ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۲۳ ح ۷)؛ پیامبر ﷺ با گذاشتن دو چیز گران بهاء: قرآن و عترت، برای همیشه زمینه تکامل بشریت را فراهم نمود. به ویژه، با این جمله، تا زمانی که امت اسلامی با این دو چیز گران بهاء باشند، گمراه نخواهند شد و از عبارت قرآن و عترت تا روز قیامت از هم جدا نخواهند بود، استفاده می شود که با نزول قرآن فرمان پیروی از عترت نیز نازل شده است، همان شأن که برای قرآن از کمال و طهارت و بقاء تا روز قیامت و... است، این شأن برای عترت نیز است. پس پیروی از عترت که شیعه به آن معتقد است، در زمان پیامبر ﷺ نازل شده و شیعه اثناعشری توسط شخص رسول اکرم ﷺ پایه گذاری شده است.

بنابراین، مطابق مفاد قرآن کریم اعتقاد شیعه اثناعشری، اسلام کامل است که در زمان حیات پیامبر ﷺ عرضه شده است. نه اینکه شیعه اثناعشری، مذهب سیاسی باشد که بعد از وفات پیامبر ﷺ به وجود آمده باشد. شاهد این ادعا منطقی است که برای کمال اسلام در نظر گرفت.



۴. شیعه و وراثت در امامت

در دائرةالمعارف اسلام لیدن، آمده است که عقیده شیعه به اعتبار اینکه، علوین آل البیت نبی ﷺ هستند، امامت را وارث شدند. با این دیدگاه، امامت در اسلام برای آنها باقی ماند، بدون اینکه محقق شود. تنها خلافت علی ﷺ در سال های ۳۵-۴۰ هجری (۶۵۶-۶۶۱ م) بوده است که در آن مسلمانان جمع نشدند و در شأن آن نزاع شدید کردند و به همین جهت، هنگامی که پسر امام علی ﷺ، امام حسن ﷺ به خلافت رسید، امکان نداشت که مسیر را بپیماید که از خلفا شمرده شود. از زمان امام حسن ﷺ به بعد، حکومت شیعه مقتدر تشکیل نشد (گروهی از مستشرقان، دائرةالمعارف الاسلامیه، بی تا: ۵۹/۱۴).

نقد و بررسی

یکی از اصول اعتقادی شیعه، امامت برای امام علی ﷺ و فرزندان معصوم آن حضرت است. این اعتقاد نه به خاطر این است که چون علوین، آل البیت نبی ﷺ هستند، پس باید امامت برای آنها باشد؛ بلکه این عقیده جزء باور به کمال اسلام است، به این معنا که اسلام بدون امامت امامان شیعه، اسلام ناقص است. امامت در شیعه اثناعشری، حقیقتی است که اسلام ناب محمدی در آن نهفته است و این مقام برای امام ثابت است. ممکن است، به ظاهر حکومت تشکیل دهد یا تشکیل حکومت آن با موانع مواجه شود. برای توضیح بیشتر در جهت نقد این تصویر که امامت شیعه اثناعشری، نوعی وراثت و آل البیت بودن است، از منظر شیعه، خود آیات شریفه قرآن دلالت بر این دارند که مقوله شیعه، در زمان خود پیامبر پدید آمده است. برای نمونه:

۱- خداوند در آیه ۵۵ سوره مائده می فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده/۵۵). شأن نزول این آیه شریفه، مطابق نقل خود عالمان اهل سنت، در حق اهل بیت ﷺ است (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۶؛ الجصاص، احکام القرآن، ۱۴۰۵: ۵۴۲/۲؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/۶۴۹). طبق شأن نزول، مردی فقیر در زمان پیامبر ﷺ وارد مسجد شد، در این وقت، علی ﷺ که مشغول رکوع بود، با انگشت دست راستش - که در آن انگشتی بود- به سائل اشاره کرد و او انگشتی را از انگشت علی ﷺ بیرون آورد. اینها در برابر چشم پیامبر ﷺ انجام گرفت. همین که از نماز فارغ شد، سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا برادرم موسی به درگاهت سؤال کرد: پروردگارا، سینه ام را بگشای، کارم را آسان و زبانم را بازکن تا سخنم را بفهمند. برادرم هارون را که از خویشان من است، وزیر من گردان، پشتم را به او قوی کن و او را در کارها شریکم گردان (طه/۲۵ - ۳۲). به او وحی کردی که به زودی بازویت را به برادرت محکم می کنیم و برای شما قدرتی قرار می دهیم



که آن‌ها به شما دسترسی پیدا نکنند (قصص / ۳۵). پروردگارا منم محمد پیامبر و برگزیده تو. خدایا، سینه‌ام را بگشای و کارم را آسان و علی را وزیر من گردان، و پشت مرا به او محکم کن. ابوذر گفت: به خدا سوگند، هنوز سخن پیامبر تمام نشده بود که جبرئیل از جانب خدا نازل شد و گفت: ای محمد بخوان. گفت: چه بخوانم: **﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ...﴾** عین این خبر را ابواسحاق ثعلبی در تفسیر خود نقل کرده است» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۷/ ۸۳).

هرچند برخی از مفسران اهل سنت، در دلالت این آیه بر تأیید شیعه ایراد وارد کرده‌اند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۲/ ۳۸۴)؛ ولی به نظر می‌رسد، قومی که در این آیه پیشین: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾** (مائده/ ۴۵)، خداوند از آن‌ها سخن می‌گوید و می‌خواهد آن‌ها را جایگزین آن افراد مرتد یا متزلزل بنماید، همان افرادی است که در آیه بعدی، خداوند از آن‌ها سخن گفته و آن‌ها را ولی معرفی می‌نماید. دلیل این ادعا، این است که خداوند در این آیه شریفه، اوصافی را برای قوم ذکر می‌کند، مانند دوست داشتن طرفینی حاکم بین خداوند و آن‌ها، متواضع برای مؤمنین و مقاوم در برابر کفار و مجاهد در راه خداوند، ترس از ملامت سرزنش کنندگان که این‌ها فضل و عنایت خداوند را به خود اختصاص می‌دهند. حال، سؤال این است که قوم مذکور، کدام گروه و جمع است که دارای اوصاف مذکور است؟ آن هم جمعی که می‌خواهد بیاید و در واقع جایگزین افراد مرتد شوند. به نظر می‌رسد، غیر از اهل بیت **علیهم‌السلام**، هیچ‌کس دیگری نیست؛ چراکه تنها آنان هستند که در طول حیات پرفرازونشیب خودشان، به اوصاف مزبور متصف هستند. دیگران در مسیر زندگی خود، در ابتداء نقاط تاریک و آلوده‌ای را داشته یا بعداً پیدا نمودند (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۷/ ۵).

۲- خداوند در آیه: **﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾** (مائده/ ۶۷)؛ از ابلاغ «ما أنزل» سخن می‌گوید. شأن نزول آیه از طریق شیعه و سنی روایت شده است که در مورد امامت امام علی **علیه‌السلام** است (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۳۹۳: ۱۸۷-۱۹۳). مفاد آیه این است که پیامبر اکرم **صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** از جانب خداوند مأموریت یافته است که امامت امام علی **علیه‌السلام** را به مردم ابلاغ کند. این مطلب از چنان اهمیتی برخوردار است که اعلام نکردن آن به منزله عمل نکردن به وظیفه نبوت است و این به این معنا است که اهداف نبوت، جز با امامت محقق نمی‌شود و ادامه آیه که خداوند، نگهداری از این پیام را به پیامبر **صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** اعلام می‌کند، نشان‌دهنده جایگاه ویژه امامت در اسلام است. امامت مقام الهی است که خداوند به شایستگان داده است، نه از جهت وراثت؛ بلکه از جهت لیاقت آن‌ها برای این مقام که اسلام با امامت به اهدافش خواهد رسید.



بنابراین، عقیده شیعه اثناعشری در مسئله امامت برگرفته از قرآن کریم و احادیث نبوی و روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام و دلایل عقلی است که اگر بادیده انصاف داوری شود، باید گفت: اسلام اصیل در تشیع تبلور یافته است. اعتقاد شیعه به امامت دوازده امام نشأت گرفته از آل البیت بودن نیست تا توهم شود که این عقیده ریشه وراثتی دارد.

۵. عقاید شیعه در امامت

نویسنده در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، عقاید شیعه اثناعشری در امامت را این گونه بیان می کند: «در نزد شیعه امامیه، امام انسان است، لکن جوهر نورانی الهی، از طریق حلول جزئی در او داخل شده است. فکر اساسی نزد امامیه این است که اتصال بین خدا و انسان در نقطه، تمام نمی شود، بلکه در خط متصل است، این اتصال در یک شخص نیست، بلکه در سلسله غیر منقطع از ائمه علیهم السلام هستند که توسط وحی تأیید شده اند. پدر از ائمه علیهم السلام، پسر بعد از خودش را در هر نسل تعیین می کند یا عنصر الهی به پسر بزرگ تر در صورتی که مادر او از اهل بیت باشد، منتقل می شود.» (گروهی از مستشرقان، دائرةالمعارف الاسلامیه، بی تا: ۱۴/۶۳ - ۶۵).

نویسنده در ادامه این بخش، از به وجود آمدن فرقه های شیعه مثل واقفیه، قطعیه، الموسویه و الرضاویه، سخن گفته است. ایشان امامت در شیعه اثناعشری را چنین توضیح می دهد: «این ائمه علیهم السلام ادامه پیدا می کند، شک به وجود می آید، این است که حسن خالص (امام حسن عسکری علیه السلام) امام یازدهم در سال (۸۷۳ م) فوت کرده است، اعتقاد شیعه امامیه این است که پسر او محمد [مهدی علیه السلام] حجت خداست، او مخفی و ناشناخته است و ظهور خواهد کرد. این عقیده شیعه اثناعشری بوده و اختلاف مدت طولانی در این مورد وجود دارد که آیا امام سیزدهم هم است؟ (همان: ۶۴ - ۶۵).

نقد و بررسی

امامت در عقیده شیعه، منصبی الهی است. افراد معصوم از هر گناه، از طرف خداوند برای این امر مهم برگزیده می شوند؛ چراکه «أُولَى الْأَمْرِ» بر اساس آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/۵۹)؛ مقامی الهی است که همانند پیامبر، بعد از مراحل تکامل معنوی به این جایگاه می رسد؛ چراکه در آیه فوق، تبعیت از او همانند اطاعت از الله و رسول الله مطلق آمده است و این دلیل بر لزوم عصمت در اوست. بدیهی است، شخص امام، تأثیرات زیادی در زندگی مادی و معنوی مردم دارد. از این رو، چنین شخصی خود باید عاری از اشتباه و گمراهی باشد تا بتواند تأثیرات



مثبتی در جامعه داشته باشد و آن را به سوی سعادت و کمال سوق دهد. حال تشخیص این ویژگی در اشخاص که امری درونی است، از عهده بشر خارج است و تنها خداوند سبحان است که می تواند از بین افراد بشر انسان های لایق را برای این امر برگزیند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۷: ۳۸۸/۴؛ صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۴۰۶: ۱۳۲/۷).

پس این ادعا که امامت از نظر شیعه، موروثی است، ادعایی بدون دلیل و دور از واقعیت است و شیعیان امامت را تداوم بخش راه نبوت دانسته و آن را مسئله ای الهی برای ائمه علیهم السلام می دانند. این ادعا دقیقاً بر طبق سنت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است.

۶. عقاید شیعه در شفاعت

در دائرة المعارف اسلام لیدن، عقاید شیعه اثناعشری چنین تبیین شده است: برای مذهب اثناعشری، عقایدی شبیه عقاید نصاری است. برای ائمه شان اهمیت بزرگی قائل اند و گفته اند که تقدیر عالم، در دست آن هاست. حفظ و هدایت عالم با آن هاست. رهایی با آن ها و هلاکت بدون آن هاست. طاعت و توسل به آن ها دو امری ضروری اند. روز یکشنبه برای آن ها به خاطر تعلق به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مقدس است. ساعت های روز به نام های ائمه شان است و قبورشان را برای اجر معلوم، زیارت می کنند (گروهی از مستشرقان، دائرة المعارف الاسلامیه، بی تا: ۴۳۰ / ۱).

نویسنده، در بخشی از مقاله به ریشه تاریخی عقاید شیعه می پردازد: «آراء شیعه از ظهور خدا در بشر، شفاعت امام به صورت استمراری مستقیم و با طرح سؤال، این فکرهای شیعه قبل از سال یازدهم هجری (۶۲۲ م) بوده است یا این افکار در زمان خلافت امام علی علیه السلام پیدا شدند؟ (دائرة المعارف اسلام لیدن: ۶۱/۱۴).

نقد و بررسی

شفاعت در لغت، به معنای ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر و انضمام شخصی والا مرتبه برای یاری شخص دیگری است که در رتبه پایین قرار دارد؛ اما معنی اصطلاحی: این است که شفیع موجباتی فراهم می سازد که شفاعت شونده از يك وضع نامطلوب و درخور کیفر بیرون آمده و به وسیله ارتباط با شفیع (که مجری رحمت الهی است) خود را در وضع مطلوبی قرار دهد که شایسته و مستحق بخشودگی گردد (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶: ۱۳۹۴ / ۶). شفاعت، مقوله اثبات شده از آیات قرآن است. به عنوان نمونه، خداوند در آیه ۲۶ سوره نجم: ﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ به طور صریح، به آن اشاره می نماید (سبحانی، مفاهیم القرآن، ۱۴۲۱: ۵۵۳ / ۱).



از سوی دیگر، هدف شفاعت، تحریک بر گناه نیست، بلکه عبارت است از: امید دادن به انسان و ریشه ناامیدی او را از بین بردن؛ چراکه انسان امیدوار می‌شود که زمینه نجات هست و سعی می‌کند، خود را به آن مرحله برساند؛ و ارتباط معنوی پیدا کردن شیعیان با اولیاء خدا (کریم‌پور قراملکی، درسنامه توحید و شرک در قرآن و حدیث، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

افزون بر این، عقیده شیعه نسبت به داشتن مقام شفاعت برای انبیا یا ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، برگرفته از آیات قرآن است. خداوند در سوره یوسف: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» (یوسف/۹۷)؛ درخواست استغفار و شفاعت طلبی فرزندان حضرت یعقوب (علیه‌السلام) از ایشان را بیان می‌کند و در آیه بعدی، جواب مثبت پدر را درباره آن نیز مطرح می‌نماید با اینکه از دأب قرآن، بیان بطلان هر سخن باطلی است (جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۳۷۸: ۳۶۴-۳۶۸).

بنابراین، عقیده شیعه به شفاعت با عقیده مسیحیت که با فدایی دانستن حضرت مسیح (علیه‌السلام) انجام هر نوع گناه را جایز می‌داند، متفاوت است. شیعه با عقیده شفاعت، زمینه تکامل فرد و جامعه را آماده می‌کند که افراد ناامید نشده و همواره ارتباط معنوی با امام خود داشته باشند.

۷. عقیده شیعه در رجعت

از نظر نویسندگان مدخل شیعه، امام در عقاید شیعه این‌گونه تصویر شده است: امام کسی است که ایمان به او داشته باشد، با ویژگی‌های که دارد از جمله: امام از جوهر اصل الهی برخوردار است. شیعیان از مردن امام عزا نمی‌گیرند، به سبب این عقیده که امام زنده و در بهشت است، مؤمنین دیگر با او در این زندگی مشارکت دارند. به عقیده شیعه نسبت دادن موت به امام، باطل است. این عقیده، به خاطر تفکر «رجعت» است؛ یعنی ایمان به اینکه خلیفه غایب است و او به‌زودی رجعت می‌کند و امام می‌گردد. او مهدی منتظر است. شیعه به جنبه دنیوی امام توجه نکرده، بلکه به جنبه الهی امام توجه می‌کند که به امام که بعد از او منتقل می‌شود. این عقیده شبیه به عقیده به تناسخ است. عقاید شیعه، عنصر استشهاد مستند به شهدا و فکر ظهور خدا در بشر و انتظار بازگشت امام، مرتبط با هم هستند (گروهی از مستشرقان، دائرةالمعارف الاسلامیه، بی تا: ۱۴ / ۶۰).

نقد و بررسی

تصویر شیعه در دایرةالمعارف الاسلامیه لیدن، نسبت به رجعت شبیه به تصویر تناسخ دانسته شده است (تناسخ به این معناست که انسانی بمیرد و روح او به انسان موجود در این دنیا رسوخ بکند). در این تصویر، ظهور امام زمان (علیه‌السلام) با رجعت، پیوند درستی داده نشده است. برای نقد این تصویر، به



مفهوم رجعت در عقیده شیعه پرداخته می شود. رجعت، به معنی بازگشت روح انسان مرده به همان انسان فوت شده، بعد از زنده شدن آن شخص در همین دنیا است. از این رو، رجعت در ظهور حضرت مهدی عج اتفاق می افتد که مراد از آن، زنده شدن و بازگشتن گروهی، (از نیکان بسیار نیک و انسان های بسیار بد) بعد از ظهور حضرت قائم عج است تا نیکان با مشاهده دولت آن بزرگوار شادمان بشوند و به فیض نصرتش مفتخر گردند و انسان های بد نیز با مشاهده دولتی که هرگز نمی خواستند، غمگین گردند و به ذلت و خواری برسند و عقوبت و عذاب ببینند و به دست دوستان آن حضرت کشته شوند؛ اما دیگر مردمان در قبرها می مانند تا در قیامت حاضر گردند (مولانا، مهدی و مساله رجعت، ۱۳۷۵: ۲۱). این مفهوم از رجعت با تناسخ متفاوت است. در تناسخ روح فرد بعد از مردن به فرد دیگری منتقل می شود و دوباره به دنیا برمی گردد. در رجعت خود فرد دوباره به دنیا با اذن الهی برمی گردد تا نتیجه اعمال خود را در این دنیا نیز ببیند و اجر و جزای آخرت در قیامت است.

همچنین، تصویر ارائه شده از مهدویت در این دایرةالمعارف که برگشت آن حضرت از طریق رجعت بود، درست نیست. به دلیل اینکه مهدویت در عقیده شیعه اثناعشری، شامل باور به امامت امام مهدی عج متولد شده است و او فعلاً در عالم غیبت است که به ظاهر دیده نمی شود و هر زمان خدا بخواهد، ظهور می کند و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد و شیعیان و همه جهان منتظر ظهور آن حضرت هستند.

عقیده شیعه اثناعشری درباره مهدویت، ریشه در قرآن کریم و روایات متواتر دارد. آیات بسیاری درباره امام زمان عج در قرآن وجود دارد. بعضی از قرآن پژوهان، تا ۲۵۰ آیه از آیات قرآن را مرتبط به امام زمان عج دانسته اند (ابومعاش، امام المهدی فی القرآن، ۱۴۳۰: ۲۰؛ کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی عج، ۱۳۹۴ ش: ۸: ۱۰۴۳-۱۰۹۳).

برای نمونه، برخی از این آیات به شرح ذیل است:

۱- آیه: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۵۵)؛ از وعده الهی بر غلبه اسلام بر جمیع ادیان و خلافت مؤمنان بر روی زمین خبر می دهد. در این آیه شریفه، وعده الهی در تبدیل خوف مؤمنان به امنیت، هنوز به طور کامل محقق نشده و تنها در زمان ظهور امام مهدی عج تحقق پیدا خواهد کرد (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۶/۳۴۹).



۲- آیه: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵)؛ از وارث شدن زمین توسط بندگان صالح خداوند خبر می‌دهد. تا به حال معلوم است، این وعده در کل زمین محقق نشده و تنها زمانی می‌تواند تحقق یابد که امام مهدی عج ظهور نماید (قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۵: ۶/۵۵۷).

۳- آیه: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان/۲۰)؛ از نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند خبر می‌دهد که بر اساس احادیث مأثور، ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت مهدی عج از مصادیق بارز آن محسوب می‌شود (قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۳: ۲/۱۶۵).

۴- آیه: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ» (هود/۸۶)؛ از خیر بودن بقیت الله برای مؤمنان خبر می‌دهد. این بقیت الله بر اساس احادیث منقول، وجود با برکت حضرت مهدی عج است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۰: ۹/۲۰۳).

با اندکی تأمل، معلوم می‌شود که آیات متعدد قرآن، از جمله آیات فوق به پشتوانه روایات، به مسئله حاکمیت جهانی مستضعفان و عدالت و امامت مهدی عج اشاره دارند. بنابراین، اعتقاد شیعه درباره وجود آن حضرت، متکی بر آیات قرآن و احادیث صحیح است که اهل سنت نیز آن‌ها را نقل نموده‌اند (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ۱۴۱۹ ه. ق: ۱۸۵).

در هر صورت، از آیات و روایات استفاده می‌شود که عقیده شیعه اثناعشری، درباره مهدویت، بر پایه استدلالی قرار دارد که گذشته بشریت را با آینده آن مرتبط نموده و گنجینه نظام از معرفت حقیقی را به‌عنوان راه‌گشایی از مسائل زندگی در همه ابعاد به تصویر می‌کشد. در این معرفت، برخلاف آنچه در دایرة‌المعارف الاسلامیه لیدن، از مهدویت به تصویر کشیده شده؛ مهدویت با امامت امام زنده است و به خاطر مصالحی در پشت پرده غیبت است. امام ذخیره الهی است که اهداف همه انبیای الهی و اسلام ناب محمدی ص را اجرایی خواهد کرد و مؤمنان صالح وارث زمین می‌شوند و با ایجاد روحیه امید در سطح جامعه، عقیده مهدویت، راه‌گشایی به آینده بشریت در جهت شناخت آرمان‌های اسلامی است.

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «آرمان قیام و انقلاب مهدی عج یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از این‌که الهام‌بخش ایده و راه‌گشای به‌سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی برای شناخت آرمان‌های اسلامی است...» (مطهری: مجموعه آثار، بی تا: ۴/۴۳۴).



نتیجه

این تحقیق با مطالعه «دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن»، در مدخل‌های مربوط به «شیعه» و «اثناعشریه» به این نتیجه رسیده است که در این دائرةالمعارف، تصویر درستی از شیعه اثناعشری ارائه نشده است. تعریف شیعه اثناعشری، به فرقه‌ای که در مقابل «سبعیه» قرار دارد و پیدایش آن را از قرن پنجم هجری دانستن، از مواردی است که در شناخت اولیه تصویری دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، از شیعه اثناعشری است. این مورد به این دلیل نقد شد که شیعه اثناعشری در زمان پیامبر اکرم ﷺ بنیان‌گذاری شده و مطابق با آیات کمال دین و تبلیغ و دیگر آیات و حدیث ثقلین و روایات مرتبط با امامت دوازده امام، تعریف درست از شیعه اثناعشری و پیدایش آن قابل استفاده است. امامت در عقاید شیعه اثناعشری، در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، این‌گونه تصویر شده است که به‌نوعی سیاسی و وراثتی دانستن امامت در شیعه اثناعشری را بیان کرده است. این بخش نیز نقد شد، به این‌که امامت در شیعه اثناعشری مطابق کمال دین اسلام و تبلیغ رسالت بوده است و هماهنگی دیانت با سیاست با امامت در جهت رضایت الهی و کسب کمالات انسانی است، نه این‌که امامت تنها جنبه سیاسی و وراثتی داشته باشد.

عقاید شیعه اثناعشری در شفاعت، رجعت و مهدویت از مواردی است که تصویر نادرست در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، ارائه شده است. شفاعت در این دائرةالمعارف، به شباهت به عقاید مسیحیت تصویر شده است. این مورد نیز نقد شد، به این‌که شفاعت در شیعه اثناعشری با اذن الهی به معنای ارتباط همیشگی با امام و ایجاد روحیه امید است، نه به معنای جواز انجام هر گناه و تطهیر شدن با شفاعت. این شفاعت با عقاید مسیحیت شباهت ندارد. مسیحیت عقیده دارد، به فدایی دانستن حضرت مسیح برای گناه مسیحیان و پسر خدا دانستن مسیح و خدای سه‌گانه پدر، پسر و روح‌القدس. این عقاید مسیحیان با عقاید شیعه به شفاعت امام که به اذن الهی است، فرق دارد. امام در نزد شیعه، بر اساس آیات الهی، بنده خدا و دارای مقام امامت که خدای متعال به او داده است و جایگاه بلندی نزد خدا دارند که از جمله آن‌ها شفاعت است. رجعت در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، به تناسخ، تشبیه شده است، این مورد نقد شده است، به این‌که رجعت با تناسخ فرق دارد، افراد بسیار خوب و یا بسیار بد در رجعت بعد از فوت به اذن الهی در زمان ظهور امام زمان ﷺ دوباره در این جهان برمی‌گردد تا جزای اعمال خود را خود را در این دنیا نیز بینند و جزای آخرت در قیامت خواهد بود؛ اما در تناسخ روح فرد فوت‌شده در قالب فرد دیگری برمی‌گردد. بنابراین رجعت با تناسخ متفاوت است. مهدویت در دائرةالمعارف الاسلامیه لیدن، تصویر نادرست شده است. مهدویت با امام غایب به تصویر کشیده شده و با رجعت پیوند صحیح برقرار نکرده است. امام مهدی ﷺ در شیعه اثناعشری، امام زنده و متولد شده است؛ اگرچه به‌ظاهر دیده نمی‌شود. هر زمان خدا بخواهد ظهور خواهد کرد و عدالت را در جهان پیاده و ظلم را ریشه‌کن خواهد کرد. وجود امام مهدی ﷺ و امامت آن حضرت و فایده‌های غیبت آن مطابق با دلایل‌هایی از آیات، روایات و تحلیل عقلی، تبیین شده‌اند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابومعاش، سعید، امام المهدی فی القرآن، نشر آستانة الرضویة المقدسة، مشهد: ۱۴۳۰ ق.
۳. الجصاص الرازی، احمد بن علی حافظ ابوبکر، احکام القرآن، نشر داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۵ ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، نشر اسراء، قم: ۱۳۷۸ ش.
۵. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۳۹۳ هـ / ۱۹۷۴ م.
۶. زمخشری، جارالله، الکشاف، دارالکتاب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۷. سبحانی تبریزی، جعفر، دلیل المرشدين الى الحق اليقين، ترجمه: جواد محدثی، نشر مشعر، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۸. —، مفاهیم القرآن، نشر موسسه امام صادق (علیه السلام)، قم: ۱۴۲۱ ق.
۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه: مصطفی خالقداد هاشمی، اقبال، تهران: چاپ ششم، ۱۳۸۷.
۱۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، نشر فرهنگ اسلامی، قم: ۱۴۰۶ ق.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، المؤسسة السیدة المعصومه، قم: ۱۴۱۹ هـ ق.
۱۲. صدر حاج سید جوادی، احمد، خرم شاهي، بهاءالدين، فانی، کامران، دایرةالمعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، نشر جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۷ ق.
۱۴. —، شیعه در اسلام، به کوشش: سید هادی خسروشاهی، بوستان کتاب، (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۸۶).
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه: علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، تهران: ۱۳۸۰.



۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، نشر دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار إحياء التراث العربی، لبنان - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۸. فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، نشر دارالملاک، بیروت: ۱۴۱۹ ق؛
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران: ۱۳۷۷ ش؛
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۱۲ ق
۲۱. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، مکتبه المحمدی، قم: الطبعة الثامنة، ۱۳۸۵ ه.ق/ ۱۹۶۶ م.
۲۲. کاشف الغطاء، محمد حسین، ریشه های شیعه و پایه های آن، ترجمه: علیرضا خسروانی، شرکت سهامی چاپ، تهران: ۱۳۱۷ ه.ق.
۲۳. کریم پور قراملکی، علی، درسنامه توحید و شرک در قرآن و حدیث، نشر ادباء، قم: ۱۳۹۷ ش.
۲۴. کورانی، علی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی علیه السلام، ترجمه: حسین نائینی، معروف، قم: ۱۳۹۴ ش.
۲۵. گروهی از مستشرقان، دائرة المعارف الاسلامیه، ترجمه: احمد السننآوی و ابراهیم نرگسی خورشید و عبدالحمید یونس، مصر: بی تا.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بیروت: ۱۴۲۳ ق
۲۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲۴ (قیام و انقلاب مهدی علیه السلام) از دیدگاه فلسفه تاریخ: CD.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، آیات الولاية فی القرآن، نشر نسل جوان، قم: ۱۴۲۵ ق.
۲۹. —، پیام قرآن، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۶ ش.
۳۰. —، و همکاران، تفسیر نمونه، انتشارت دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۰.
۳۱. مولانا، سید ابوالحسن، مهدی و مسأله رجعت، انتشارات نور ولایت، تبریز: ۱۳۷۵ ه.ش.
۳۲. نوری، محمد، دایرة المعارف «اسلام» و «مردم مسلمان»، مجله کتاب های اسلامی، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۴.
۳۳. الهيئة العلمیه فی مؤسسه المعارف الاسلامیه، جلد پنجم از کتاب معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم: ۱۴۱۱ ه.ق.

Bibliography

1. The Holy Quran, translated by Rezaei Esfahani, Mohammad Ali et al., Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: 2004.
2. Abu Ma'ash, Saeed, Imam al-Mahdi in the Qur'an, publication of Astana al-Razwiya al-Muqaddasah, Mashhad: 1430 AH.
3. Al-Jasas Al-Razi, Ahmad Ibn Ali Hafiz Abu Bakr, Ahkam Al-Quran, Dar al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi Publishing, Beirut: 1405 AH.
4. Javadi Amoli, Abdullah, Adab Fana Moqarraban, Esraa Publishing, Qom: 1999.
5. Hakim Haskani, Obaidullah bin Abdullah, Evidences of Revelation, Scientific Institute for Publications, Beirut: 1393 AH / 1974 AD.
6. Zamakhshari, Jarullah, Al-Kashshaf, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH.
7. Sobhani Tabrizi, Jafar, Dalil al-Murshidin Ila al-Haq al-Yaqin (The reason of the guided to the Certain truth), translated by Javad Mohaddesi, Mashar Publishing, Tehran: Fourth Edition, 2010.
8. —, concepts of the Qur'an, published by Imam Sadegh (AS) Institute, Qom: 1421 AH.
9. Shahrestani, Mohammad Ibn Abdul Karim, Al-Milal wa Al-Nihal (Nations and Groups), translated by Mustafa Khaleqdad Hashemi, Iqbal, Tehran: sixth edition, 2008.
10. Sadeghi Tehrani, Mohammad, Al-Furqan Fi Tafsir Al-Quran Bal-Quran, Islamic Culture Publishing, Qom: 1406 AH.
11. Safi Golpayegani, Lotfallah, Selected Works in the Twelfth Imam, Al-Sayyida Al-Masooma Foundation, Qom: 1419 AH.
12. Sadr Haj Seyyed Javadi, Ahmad, Khorramshahi, Bahauddin, Fani, Kamran, Shiite Encyclopedia, published by Shahid Saeed Mohebbi, Tehran: Fourth Edition, 2001.
13. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, Tafsir Al-Mizan, published by the Society of Teachers, Qom: 1407 AH.



14. _____, Shiites in Islam, by the effort of: Seyyed Hadi Khosroshahi, Book Garden, (Publishing Center of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom, Qom: 2007.
15. Tabarsi, Fazl Ibn Hassan, Majma 'al-Bayyan, translated by Ali Karami, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization, Tehran: 2001.
16. Tabari, Muhammad ibn Jarir, Jame 'al-Bayan, Dar al-Ma'rifah Publishing, Beirut: 1412 AH.
17. Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar, Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Dar al-Ihyaa al-Tarath al-Arabi, Lebanon - Beirut, third edition, 1420 AH.
18. Fazlullah, Sayyid Muhammad Hussein, Min Wahy al-Quran (from the revelation of the Qur'an), published by Dar al-Malak, Beirut: 1419 AH;
19. Ghorashi, Seyyed Ali Akbar, Tafsir Ahsan Al-Hadith, Besat Foundation, Tehran: 1998;
20. Qomi, Ali Ibn Ibrahim, Tafsir al-Qomi, published by the Scientific Institute for Press, Beirut: 1412 AH
21. Al-Kunduzi Al-Hanafi, Suleiman Ibn Ibrahim, Yanabi' Al-Mawadda, Al-Muhammadi Library, Qom: Al-Samna Press, 2006. م ۱۹۶۶.
22. Kashif al-Ghatta ', Mohammad Hussein, Shiite roots and its foundations, translated by Alireza Khosravani, Printing Company, Tehran: 1317 AH.
23. Karimpour Gharamaleki, Ali, Textbook of Tawhid and Shirk in Quran and Hadith, Adba Publishing, Qom: 1397.
24. Kurani, Ali, Thematic Dictionary of Imam Mahdi (as) hadiths, translated by Hossein Naeini, famous, Qom: 2015.
25. A group of Orientalists, Encyclopedia of Islam, translated by Ahmad Al-Sunnawi and Ibrahim Nargesi Khorshid and Abdul Hamid Younis, Egypt: Bit.
26. Majlisi, Mohammad Baqir, Behar al-Anwar, Dar al-Ta'rif Publishing House, Beirut: 1423 AH
27. Motahari, Morteza, Collection of Works Vol. 24 (Mahdi Uprising and Revolution from the Perspective of Philosophy of History): CD.



28. Makarem Shirazi, Nasser, *Ayat al-Walaya fi al-Quran*, published by the young generation, Qom: 1425 AH.
29. _____, *Payam-e-Quran*, published by Dar al-Kitab al-Islamiyya, Tehran: 2007.
30. _____, et al., *Tafsir Nemunah (Perfect Interpretation)*, Islamic Book Publisher, Tehran: 1991.
31. Maulana, Seyyed Abolhassan, *Mahdi and the issue of return*, Noor Velayat Publications, Tabriz: 1996.
32. Nouri, Mohammad, *Encyclopedia of "Islam" and "Muslim People"*, Journal of Islamic Books, No. 21, Summer 2005.
33. *The Divine Theology in the Institute of Islamic Enlightenment*, Volume Five of the Book of the Dictionary of Hadiths of Imam Mahdi (as), Islamic Enlightenment Institute, Qom: 1411 AH